روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۰ • ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ • ۱۸ نوامبر ۲۰۲۱
سال نوزدهم • شماره ۴۱۴۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۱۵
اذان صبح فردا ۵:۱۷ • طلوع آفتاب ۶:۴۴

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

بخش‌های زیادی از خانه تاریخی امام جمعه اصفهان که قدمت آن به دوره صفویه می‌رسد در حال تخریب است. عکس: علی آذر، باشگاه خبرنگاران جوان

حق‌بان

فعالیت رسانه‌ای و فلسفه مجازات

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

خبرنگاری محلی به نام سینا قلندری به دلیل انتشار خبر یک قتل خانوادگی به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و انتشار تصاویر خصوصی، توسط دادگاه کیفری شهرستان کوهدشت به ۱۳ ماه و ۱۶ روز حبس و دو سال محرومیت از شغل روزنامه‌نگاری محکوم شده است. ماجرا از این قرار است که هشتم شهریور امسال دختر جوان ۱۶ساله‌ای، اهل و ساکن بخش سوری استان لرستان با انگیزه ناموسی توسط یکی از اعضای خانواده خود به قتل رسید. به گفته سرهنگ مهدوی‌کیا، فرمانده انتظامی رومشکان جسد دختر نوجوان رومشکانی که در ۱۶سالگی با پسرعمه خود ازدواج کرده بود، در یک باغ پیدا شد. همسر وی به عنوان متهم دستگیر شده و اینکه این دختر ۱۶ساله توسط همسرش به قتل رسیده یا خودکشی کرده، در دست بررسی است.

جهت بررسی در بخشی از حکم صادره که هنوز قطعی نشده عینا نقل می‌شود: «مطلب مندرج در کانال (صرف‌نظر از صحت‌وسقم آن که یک امر قضائی می‌باشد) توسط فرماندار بیان نشده است که کذب‌بودن انتشار خبر به فرماندار مشخص می‌گردد و این امر موجب تشویش اذهان عمومی و اضرار به شکات می‌باشد...مستندا به مواد ۱۷ و ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای ... متهم را بابت نشر اکاذیب به تحمل ۱۳ ماه و ۱۶ روز و بابت انتشار تصاویر خصوصی به تحمل ۱۳ ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری محکوم می‌نماید... و در راستای ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی با رعایت تناسب با توجه به اینکه اقدام متهم موجب تشویش اذهان عمومی و سوءاستفاده رسانه‌های معاند از مطلب منتشره در کانال ایشان شده است و موجب اذیت و آزار شکات شده است، حکم به محرومیت متهم از اشتغال به شغل خبرنگاری و توقیف کانال رادیوتلگرامی لرستان به مدت دو سال به‌عنوان مجازات تکمیلی صادر و اعلام می‌گردد».

جرم نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی از جرائم مقید است؛ یعنی علاوه بر ارتکاب فعل مادی، به اثبات سوءنیت (در اینجا «قصد تشویش اذهان عمومی») نیازمندیم. اساسا هدف خبرنگار اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی است و اینکه هدف وی تشویش اذهان جامعه بوده، ادعایی است که نیاز به اثبات دارد و در رأی صادره به هیچ قرینه یا اماره‌ای برای اثبات امر اشاره نشده است. موضوع دیگر میزان مجازات تعیین‌شده است. قانون‌گذار در ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای برای جرم انتشار تصاویر خصوصی، مجازات ۹۱ روز تا دو سال حبس یا جزای نقدی از پنج‌میلیون ریال تا ۴۰ میلیون ریال را در نظر گرفته است. همچنین در ماده ۱۸ همین قانون، برای بزه نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، مجازاتی مشابه تعیین شده؛ حال پرسش این است درحالی‌که طبق ماده دو قانون «کاهش حبس تعزیری» (۱۳۹۹) چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مقرر در قانون تعیین کند، باید علت آن را ذکر کند، مگر نه موجب مجازات انتظامی برای قاضی خواهد بود، به چه دلیل کیفر حبس بیش از ۹۱ روز تعیین شده است؟ و اساسا میزان ۱۳ ماه و ۱۶ روز بر مبنای چه محاسبه‌ای صورت گرفته است؟ فراموش نکنیم طبق اصل ۱۶۶ قانون اساسی، احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است. نکته دیگر اینکه هنوز تکلیف پرونده قتل روشن نشده است، اگر درنهایت همسر مقتول به‌عنوان قاتل شناخته شود، مطلب بیان‌شده «صدق» بوده و نه «کذب»؛ در نتیجه عنصر مادی نشر اکاذیب محقق نشده است. تعیین مجازات تکمیلی محرومیت از خبرنگاری به دلیل سوءاستفاده رسانه‌های معاند نیز امری غیرمنطقی است؛ متهم تماسی با رسانه‌های معاند نداشته است. اصولا خبرنگار باید کار حرفه‌ای خود را بکند و موضوع سوءاستفاده دیگر رسانه‌ها ارتباطی به وی ندارد.

جالب اینکه خانه مطبوعات لرستان در بیانیه‌ای اعلام کرده که سینا قلندری خبرنگار نیست؛ اگر وی خبرنگار نیست، چرا دو سال از اشتغال به خبرنگاری محروم شده است و اگر خبرنگار باشد، بیانیه خانه مطبوعات لرستان خود مصداق نشر اکاذیب است. آنچه بیش از اطلاع‌رسانی خبر قتل خانوادگی موجب هجمه رسانه‌های معاند می‌شود، صدور چنین احکام شدیدی است که با یک جست‌وجوی ساده می‌توان به بازتاب منفی آن در رسانه‌ها پی برد.

تماشاگر ۸

شهرهایی که کشورند

رضا صدیق

بعضی شهرها، هویت مستقلی از نام کشوری که در آن قرار دارند، پیدا می‌کنند. انگار که خصوصیات یا خویی مجزا دارند. وقتی می‌خواهی بگویی فلان کشور بوده‌ام، ناخودآگاه به‌جای نام آن کشور، نام آن شهر را می‌بری. در میان کولی‌به‌دوشی‌های این سال‌ها و طی طریق زمین و مرزها، برای من سه شهر چنین هویتی را دارند، تهران، برلین و نجف.

خب تهران که محل شروع و گذر تمام این سالیانم بوده و ابتدا خانه و حالا اتراقگاه میان سفرهایم است. فرق خانه و اتراقگاه یا سکونتگاه در این است که خانه، منزل است و محل سکون اما به مجرب اولین‌بار که از آن دل می‌بری و کوله می‌بندی و می‌روی، حتی اگر به آن خانه پیشین بازگردی، دیگر آنجا خانه‌ات نیست و بدل می‌شود به اتراقگاه. این را آدرنو در بسط معنای هجرت گفته بود، شاید چون خود به‌خوبی می‌دانست هجرت چه معنای عمیقی را در ذهن مهاجر رقم می‌زند. تهران برای من چنین تغییر معنایی را رقم زده است. به همین دلیل نیز، تهرانی که در آن بزرگ شده‌ام، با تهرانی که پس از اولین هجرت به آن «آمدم» تفاوت‌های بسیاری برای ذهن هجرت‌کرده‌ام داشت. روی کلمه «آمدم» تاکید دارم که نگویم به تهران «برگشتم». برگشتن معنای رجعت و بازگشتن به چیزی را دارد؛ درحالی‌که آمدن من از غرب به تهران، هیچ بازگشتی نداشت، من به چیزی یا نقطه‌ای بازنگشتم، تهران دیگر تنها نقطه‌ای در مسیر هجرتم بود و هست. پس برنگشتم بلکه در مسیر مهاجرت باز به تهرانی جدید در جغرافیای ذهنم آمدم. به همین دلیل نیز دیگر می‌توانم نه از درون خاطرات گذشته‌بودن در تهران که به‌عنوان

یک آدم بیرون از آن با تهران مواجه شوم. نمی‌توان گفت ایران تهران است و تهران ایران. تهران شهری است که هویتی مجزای ایران دارد.

اما برلین، شهر عجیبی بود. آلمان نبود انگار. مناسبات شهری و اتفاقاتش پیشروتر از محیط سفیدزده آلمانی بود. شاید دلیل آن مرکزیتش در حرکت‌های اجتماعی و سیاسی بود و پیشینه تاریخی‌اش در فلسفه یا هنر اکسپرسیونیستی و قس علیهذا. برلین دریچه ورود من به شناخت جهان غرب بود. بعدها که به‌واسطه اقامتم به شهرهای دیگر اروپایی رفتم، متوجه اهمیت بیشتر برلین شدم. زنده‌بودن فضای اجتماعی و فرهنگی در برلین قابل‌مقایسه با حتی پاریسی که تنها ماکتی از آن باقی مانده هم نیست. تناقضات، سؤال‌ها، فلسفیدن‌ها، تجربه‌کردن‌ها و...، در برلین و به‌دلیل محیطی که به آن وارد شدم، سبب تغییرات و رخدادهای فراوانی در جهان‌بینی آینده زندگی‌ام بود. برلین سکوی شناخت بود برایم. شناخت از خود تا جهان پیرامون. فرازونشیبی که استنتاج حضورش در آن دیار، کوله‌بستن و هجرت به نجف بود. در اصل من از برلین بدون آنکه بدانم عازم نجف شدم، هنگامی که بار بستم. نجف توصیفش برایم سخت است اما گویی پس از سال‌ها دائم‌الهجرتی در آنجا توانستم دمی نفس راحت کنم. پیشینه زندگی‌ام را مرور کنم و در مسیر پیش‌رویم کنکاش کنم؛ گویی که ریشه کنی در خاکش. تهران و برلین و نجف، در عین بی‌ربطی‌شان برای من متصل‌اند و بخشی از مسیری که هرچه جلو می‌رود، متفاوت‌تر می‌شود. اگر برلین نبود، نجف هم رخ نمی‌داد برایم، شاید. این سه شهر، نقش مهمی در سفرنامه‌ام دارند، البته که شهرهای دیگر پیموده‌شده هم نقش مهم داشته‌اند، مثل ایروان یا قونیه یا هرجای دیگر اما این سه شهر، شاید به‌دلیل اتراق‌های طولانی و بیشتر زیستن در متن حال‌وهوایشان، اثراتش عمیق‌تر بوده است.

درباره این اتصال بیشتر باید بگویم.

روایت

آنچه به یاد «ما» می‌ماند

شایان مرشدی

پیشرفت و رشد در تاریخ بشر هرگز نمی‌تواند بدون حافظه (ذهنی یا مجسم) اتفاق افتد. حافظه، هویت و درک فرد از جهان را شکل می‌دهد و از آنجا که این توانایی صرفا مختص افراد نیست، هویت و درک گروه‌ها از جهان را نیز شکل می‌دهد. حافظه جمعی منحصر به آنچه واقعا در گذشته اتفاق افتاده، نیست و شامل تصور یا تفسیر یک گروه از آنچه اتفاق افتاده (یا حتی اتفاق نیفتاده) نیز می‌شود. روایت‌های هر جامعه می‌تواند تفسیر متفاوتی از یک رویداد خاص باشد. ممکن است این روایات را به عنوان دروغ در نظر نگیریم، اما آن روایات لزوما مطابق با آنچه رخ داده نیستند.

این نوع حافظه جمعی تفسیری، در حوادث خشونت‌بار رایج هستند. برای مثال، معمولا هر سوی جنگ/خشونت رویدادها را به‌گونه‌ای به یاد می‌سپارد که خودشان را محق نشان دهد (بی‌گناهِ مظلوم یا پیروز مقتدر). البته حافظه جمعی هر گروهی امری ثابت نیست، بلکه با گذشت زمان تغییر می‌کند؛ چراکه هویت یا چیستی یک گروه هم امری پویاست. غالبا هنگام تفسیر یک واقعه از سوی مدافع یک عمل، آن که مورد خشونت قرار گرفته، «دیگری» پنداشته شده که «انسان» حساب نمی‌شود. این مسئله در کشتارهای جمعی در تاریخ به وفور دیده می‌شود و البته بخشی از حافظه جمعی را می‌توان با عنوان تاریخ به یاد آورد. تاریخ بشر مانند یک سلسله بوم نقاشی است که اتفاقات رخ‌داده یا تصورشده آن را رنگ‌آمیزی کرده است؛ نقش‌هایی بر بوم که در ذهن هر گروهی، داستانی را متبادر می‌کنند. این روایات تاریخی بخشی از حافظه جمعی ما هستند که نقش ویژه‌ای در تعریف «من» و «ما» دارند. هرچند ساخته‌ها و جاماندگان از گذشته، با زیبایی مسحورکننده‌شان، برایمان از شکوه یا پیشرفت می‌گویند و حیرت و تحسین برمی‌انگیزند، اما این خشونت بر بوم نقاشی حافظه جمعی است که برجسته‌تر می‌نماید. کشتار، جنگ و پاکسازی‌های قومی، نمونه‌هایی از خشونت‌های [عیان] به‌یادمانده ما هستند. البته تاریخ زندگی بشر محدود به اتفاقات خشونت‌بار نیست و جلوه جهش‌های اجتماعی، هنری و علمی بشر انکارنشدنی است. شاید اگر قرار بود ما مردم عادی بنا بر صلاح خویش تصمیم بگیریم که چه چیز را به حافظه جمعی‌مان بسپاریم و چه چیز را فراموش کنیم، اتفاقاتی را به خاطر می‌سپردیم که غالبا عاری از خشونت و ازقضا شیرین و الهام‌بخش بودند، اما در عمل به نظر می‌رسد این اتفاق نیفتاده است؛ گویی که چندان منطق و تصمیم آگاهانه ما در آنچه بهتر است به یاد بسپاریم، پایدار نیست و عوامل دیگری را باید مدنظر داشت. البته همه خشونت‌ها توسط جامعه به یاد آورده نخواهد شد. در واقع صرف حضور خشونت، واقعه‌ای به حافظه‌ای سپرده نمی‌شود، بلکه این امر به عناصر اجتماعی، شناختی و تکاملی نیز بستگی دارد که باعث می‌شود چیزی برای یک گروه خاص به‌یادماندنی شود و ازقضا تفسیر خاصی از آن به یاد سپرده شود و بنا بر همین روال، چیزی دیگر فراموش‌شده یا درباره‌اش سکوت شود. یکی از این عوامل، هویت گروهی است که همان‌قدر که از حافظه جمعی جان می‌گیرد، در تشکیل آن نیز نقش دارد. برخی خاطرات بهتر است فراموش شوند و برخی دیگر با آب‌وتاب بیشتری در گروه اجتماعی بچرخد تا انسجام بیشتر ایجاد کند. در این راستا، «زیروباول» از مفهوم «نبرد خاطرات» می‌گوید که پرتراکم‌ترین جبهه این نبرد، جایی است که هر گروه به دنبال اثبات درستی و گسترش تفسیر خود از گذشته است. هرچند ظاهر این نبرد، درباره گذشته است، اما نتیجه آن، نه‌فقط تفسیر ما از گذشته، بلکه درک و تفسیر ما از حال و آینده را رقم می‌زند و چگونگی درک و هویت ما را تغییر می‌دهد.

اینکه امروز عضو کدام «ما» هستیم، بر تفسیر و ادراکمان از یک واقعه اثر می‌گذارد و آنچه امروز به حافظه جمعی‌مان می‌سپاریم، تفسیر فردای ما را می‌سازد. شاید از شما هم پرسیده باشند که آیندگان درباره رفتار این روزهایمان چه قضاوتی خواهند کرد؟ و پاسخی که از این نوشتار برآید این است که کدام آیندگان؟

خبر

بهتر انتخاب کن، بهتر بخوان

هم‌زمان با آغاز هفته کتاب امسال، شهر کتاب مرکزی، باشگاه کتابخوانی خود را بر بستر شبکه اجتماعی به‌خوان افتتاح می‌کند.

به‌خوان یک بستر (پلت‌فرم) فعالیت کاربران است و به‌خودی‌خود محتوایی تولید نمی‌کند؛ بلکه با ورود و دسته‌بندی اطلاعات کامل بیش از یک‌میلیون کتاب چاپ‌شده در ایران، کار خوانندگان و علاقه‌مندان کتاب‌ها را بسیار ساده کرده است. هر کاربری به‌سادگی می‌تواند در به‌خوان ثبت‌نام کند، به اطلاعات کتاب‌ها دسترسی داشته باشد و درباره آنها یادداشت (Review) بنویسد.

دوستانه‌تر از نمونه‌های خارجی

احتمالا تعدادی از علاقه‌مندان کتاب در ایران با بسترهای مشابه به‌خوان آشنایی دارند که مشهورترین آن سایت گودریدز است. با اینکه گودریدز تجربه نسبتا موفقی در سطح جهانی است و تعدادی از کاربران ایرانی هم بر این بستر مشغول فعالیت بوده و هستند اما هیچ‌گاه در میان مخاطبان ایرانی رواج درخور و شایسته‌ای پیدا نکرد. از دلایل این عدم اقبال می‌شود به رابط کاربری نامناسب برای زبان فارسی، تعداد کم کتاب‌های فارسی‌زبان، جایگزینی شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام برای فعالیت علاقه‌مندان کتاب و عدم دسترسی به این سایت از سوی بعضی از سرویس‌دهندگان اینترنت داخل کشور اشاره کرد. به‌خوان با رابط کاربری هماهنگ با زبان فارسی و گردآوری اطلاعات بیش از یک‌میلیون کتاب و صدها نویسنده و مترجم و ناشر، بخش قابل‌توجهی از این مشکلات را حل کرده است.

مهدی فیروزان، مدیرعامل شهر کتاب و از مؤسسین به‌خوان در توضیح فلسفه شکل‌گیری این پلت‌فرم می‌گوید: «بخش قابل‌توجهی از زندگی امروزمان به تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و از سویی دنیای مدرن متصل و وابسته شده، تا پیش از شیوع کرونا هم به این عرصه قدم نهاده بودیم اما ضرورت رعایت پروتکل‌های بهداشتی و توصیه‌های متخصصان سرعت بیشتری به طی این مسیر بخشید».

فیروزان راه‌اندازی سایت «به‌خوان» را یکی از ضرورت‌های شرایط زندگی فعلی می‌داند و در توضیح بیشتر درباره آن می‌افزاید: «امکان عضویت در این شبکه بسیار ساده است؛ شرایطی در نظر گرفته شده تا هر نویسنده و مترجمی صفحه‌ای خاص خودش را در این شبکه داشته باشد. از این طریق نه‌تنها فضای گفت‌وگو میان اهالی کتاب و مردم فراهم می‌شود بلکه شاهد انتشار، معرفی و نقد آثار هم از این طریق خواهیم بود».

قفسه‌های هوشمند در فروشگاه‌های کتاب

از هفته کتاب ۱۴۰۰ به بعد، مراجعان و مشتریان شعبه مرکزی شهرکتاب شاهد قفسه‌ای به نام به‌خوان خواهند بود که در آن کتاب‌ها، بر اساس نقد و نظرات واقعی خوانندگان طبقه‌بندی شده‌اند.

به عبارتی پیش از انتخاب هر کتاب، مراجعان می‌توانند با دیدن امتیاز دیگر خوانندگان آن و یادداشت‌ها و نظراتی که در وب‌سایت به‌خوان روی هر کتاب نوشته شده، انتخاب دقیق‌تری داشته باشند. این قفسه نه به پرفروش‌های بازار کتاب اختصاص دارد و نه به تازه‌ها بلکه بر اساس توجهی که خوانندگان واقعی هر کتاب به آن دارند، فارغ از مثبت یا منفی بودن، اطلاعات ارزشمندی را در اختیار خوانندگان کتاب قرار می‌دهد تا بهتر بتوانند برای خریدن و خواندن آن تصمیم بگیرند. همین هدف است که باشگاه کتابخوانی شهرکتاب در شبکه اجتماعی به‌خوان دنبال می‌کند؛ کمک به کشف کتاب‌های خوب برای خواندن.

اتفاق

افتتاحیه جشنواره کارتون پویش حرف و گفت جمعه برگزار می‌شود

جمعه ۲۸ آبان، جشنواره کارتون پویش حرف و گفت در محل گالری زمستان خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. پویش «حرف و گفت» که با سفارش صندوق جمعیت ملل متحد و همکاری وزارت بهداشت از یکم تا هفتم آذر برگزار می‌شود، با تأکید بر یادگیری مهارت گفت‌وگو در خانواده، در تلاش است در مهار خشونت خانگی گام بردارد. این جشنواره با این نگاه که سلامت یک محصول اجتماعی است، در تلاش است جامعه را با گفت‌وگومحوری به سمت مهار خشونت و حل بحران پیش از وقوع آن هدایت کند. در این جشنواره هفت‌روزه، هر روز یک پیام از سوی پویش به مخاطبان ارائه می‌شود و بر اساس این پیام راهکارهای پیشنهادی نیز به مخاطبان ارائه خواهد شد. یکی از شاخه‌های این پویش جشنواره کارتون پویش حرف و گفت است. در این جشنواره تا پایان روز ۲۴ آبان، کارتونیست‌ها آثار خود را با موضوع مهارت گفت‌وگو به جای خشونت در خانواده به دبیرخانه این جشنواره ارسال کردند. دبیر این جشنواره کارتون جمال رحمتی است و در کنار او فیروزه مظفری و اردشیر رستمی به داوری آثار ارسال‌شده خواهند پرداخت. بنا بر گزارش ارائه‌شده از سوی دبیرخانه این جشنواره، نزدیک به ۳۰۰ اثر برای این پویش ارسال شده است و داوران در میان این آثار به انتخاب آثار برگزیده پرداختند. این آثار از روز جمعه ۲۸ آبان تا هفتم آذر، در گالری خانه هنرمندان به نمایش گذاشته خواهند شد و علاقه‌مندان می‌توانند از روز جمعه ساعت ۱۷ با حضور در افتتاحیه این نمایشگاه برای دیدن آثار برگزیده به گالری زمستان خانه هنرمندان به نشانی خیابان موسوی شمالی، بوستان هنر، خانه هنرمندان ایران مراجعه کنند.

زیر آسمان جهان

هر روز دیکتاتورتر

اکثر خبرگزاری‌ها از لباس جدید دیکتاتور کره‌شمالی پس از ۳۵ روز خبر داده‌اند. در واقع او در شمایل جدید خود، خواسته شبیه هیتلر رهبر آلمان نازی به نظر برسد. به گزارش خبرآنلاین، رسانه‌های کره‌شمالی بامداد سه‌شنبه (به وقت ایران) گزارش دادند کیم از شهر «سامجیون» در شمال غربی این کشور نزدیک مرز با چین بازدید کرده است. درحالی‌که غیبت طولانی رهبر کره‌شمالی، خبرها درباره بیماری او را تشدید کرده بود، بعد از ۳۵ روز در انظار عمومی ظاهر شد. به گزارش خبرگزاری یونهاب، او در حال بازدید از پروژه جنجالی‌اش بوده است. یکی از رسانه‌ها او را چنین توصیف کرد: «رهبر کره‌شمالی با کت چرم به سبک رایش سوم از شهر جدید «آرمان‌شهر سوسیالیستی» بازدید کرد». دیگری این‌طور نوشت: «کیم جونگ اون، رهبر کره‌شمالی، بعد از یک ماه غیبت، باز هم خودی نشان داد؛ این‌بار با یک کت چرم جنجالی! کتی که از نظر رنگ، مدل، جنس و شکل به‌طور کامل با کت چرمی مشهور «آدولف هیتلر»، رهبر نازی‌های آلمان شباهت دارد». دیگری از «ژست «نازی‌وار» رهبر کره‌شمالی و حرکت هیتلر درونش نوشت. هرچند جزئیات زیادی از این دیدار و پروژه مطرح نشده است، اما او از ۱۱ اکتبر تاکنون دیده نشده بود و این طولانی‌ترین غیبتش از ۲۰۱۴ بوده است.